



دکتر یونسف، مدیرکل و مدیرعامل سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جهان بر مهان و کهان بگذرد خردمند مردم چرا غم خورد؟ هرآن‌گه که شد سال بر شست و شش نه نیکو بود مردم پیرکش چو این نامور نامه آید به بن ز من روی کشور شود پر سخن از آن پس نمیرم که من زنده‌ام که تخم سخن من پراکنده‌ام هر آن کسی که دارد هشی و رای و دین پس از مرگ بر من کنند آفرین

مشهورترین بیت های فردوسی درباره شاهکار خویش در ابتدای گفتار اندر ایوان مداین» آمده است؛ آنجا که شاعر سه بیت در باب حکمت زندگی می‌گوید، سپس جایگاه خویش را در تاریخ این مملکت می‌بینی می‌کند و در نهایت آن دو بیت مشهور را می‌سراید، بیت‌هایی که در طول صد‌ها سال برای همه فارسی‌زبان‌ها ضرب‌المثل شده و تا امروز نیز بر سر زبان‌هاست.

فردوسی می‌گوید: جهان بر کوچک و بزرگ می‌گذرد و ناپایدار است و انسان خردمند نباید غم جهان را بخورد، وقتی عمر آدم از شصت و شش سال می‌گذرد دیگر زیستن با تنی پیر و فرسوده را نمی‌توان نیکو دانست؛ [باین حال زنده‌ام تا شاهنامه را بسرایم و] آن‌گاه که سرودن این کتاب نامدار را به پایان ببرم، همه کشور پر از سخنان من خواهد شد و از آن پس دیگر نخواهم مرد، زیرا در سخن خویش زنده و جاودانه شده‌ام و بذر سخنی را کاشته‌ام که [وقتی بر و بار دهم] هر کس هوشیاری و اندیشه و اخلاق نیکو دارد، پس از مرگ مرا ستایش خواهد کرد.

در این بیت‌ها «مهان» یعنی انسان‌های کوچک یا کودکان و جوانان، «کهان» یعنی بزرگان یا کهن‌سالان، «شست» همان عدد «شصت» است که در نسخه‌های کهن با «س» نوشته می‌شده است، «پیرکش» یعنی کسی که تن پیر و فرسوده‌اش را با خود می‌کشد و از شدت سال خوردگی زور راه رفتن ندارد، «نامه» یعنی کتاب، «آید به بن» یعنی سرانجام باید و پایان پذیرد، «هش» یعنی هوشیاری، «رای» یعنی اندیشه و نظر، «دین» یعنی اخلاق نیک و «آفرین» به معنای ستایش است.

فردوسی در این بیت‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دغدغه‌های حکیمانه خویش را درباره کوتاهی عمر با آرمان بزرگ خویش یعنی سرودن حماسه ملی ایران در هم آمیخته و غیرمستقیم به ما این درس را داده است که یکی از بزرگ‌ترین درد‌های انسان اندیشیدن به کوتاهی عمر و مرگ است و یکی از بزرگ‌ترین داروهای آن آرمان‌خواهی است و انسان فانی اگر در راه آرمان بزرگش گام بردارد، می‌تواند به عنوان جلوه‌ای از همان آرمان باقی بماند و جاودانه شود، درست مثل فردوسی که اینک نامش با نام ایران درهم تنیده و جاودانه است.

تازه‌های کتاب

به‌نشر منتشر کرد

۵۰داستان کوتاه برای کودکان

انتشارات به نشر مجموعه پنج جلدی «داستان‌های بی‌دانه» به قلم محمد میرکیانی را در یک جلد منتشر کرد. آن‌گونه که خبرگزاری ایبنا نوشته است، به‌نشر برای نخستین بار مجموعه‌کتاب «داستان‌های بی‌دانه» را در قالب یک جلد برای گروه سنی کودکان منتشر و روانه بازار کرده است. مقدمه این مجموعه‌کتاب آورده است: «همان‌طور که انگور بی‌دانه داریم، داستان بی‌دانه هم داریم؛ همان‌طور که انگور بی‌دانه راحت خورده می‌شود، داستان بی‌دانه هم‌آسان خوانده می‌شود؛ در کتاب‌های پنج جلدی داستان‌های بی‌دانه، شما خیلی راحت و آسان، بچه داستان‌هایی را می‌خوانید که برای کمی «فکرکردن» نوشته شده‌اند. اگر بعد از خواندن هر یک از داستان‌های بی‌دانه، شما فقط به اندازه یک «حبه انگور» فکر کنید، من پادشاه را گرفته‌ام.

داستان‌های بی‌دانه دربرگیرنده پنجاه داستان بسیار کوتاه با محوریت بیان مسائل اخلاقی و اجتماعی برای کودکان است. «کلاغ‌ها و باد»، «سکه و سنگ»، «روبه‌ا شیرشان»، «خرف‌های تلفن»، «آدم‌باهوش»، «پایه‌یا»، «مورچه و دیواره»، «سرگذشت یک مداد و دو برگ» و... ازجمله قصه‌های این کتاب هستند که در ۱۸۰صفحه مصور، جلد سخت، قطع رقعی و به بهای ۱۸۰هزار تومان منتشر شده‌اند.

محمد میرکیانی نویسنده فعال ادبیات کودک و نوجوان است که بیشتر مطالعات و فعالیت‌های او در زمینه ادبیات، به ویژه ادبیات کهن، تاریخ، روان‌شناسی و شعر است. او تاکنون نزدیک به هشتاد کتاب منتشر کرده است. مجموعه ده جلدی «قصه‌ها مثل شد»، مجموعه پنج جلدی «حکایت‌های کمال» و «همیشه قصه‌ای هست» ازجمله آثار منتشرشده او در انتشارات به‌نشر است.

زین‌قنبر

علیرضا حیدری مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**✖
- برخورد اوباهمکارانش چندان شایسته‌ودرست‌نبود.**
- وبراسته**✔
- رفتار اوباهمکارانش چندان شایسته‌ودرست‌نبود.**
- نکته**🔖

بعضی‌واژه‌ها بیشتر کاربرد گفتاری و عامیانه دارند و نباید از آن‌ها در نوشته‌های جدی و رسمی استفاده کرد.

#زین‌قنبراساری

شهریار

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

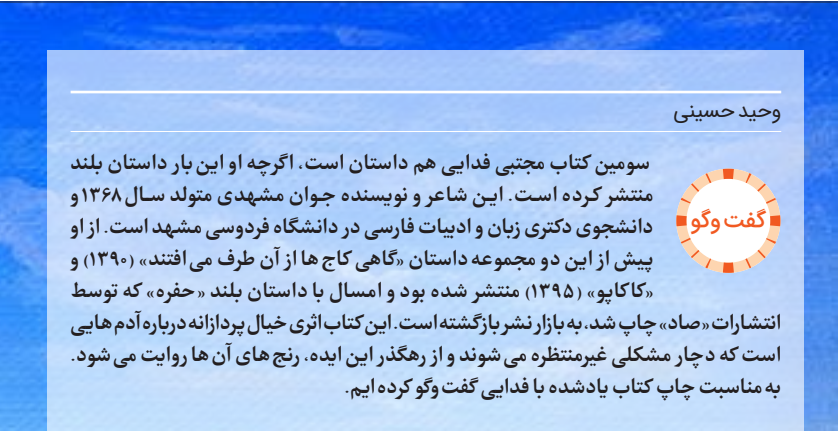
شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

شبه‌شبانه‌فردوسی

مشهد در یک داستان خیال پردازانه

گفت وگو با مجتبی فدایی، نویسنده جوان مشهدی، درباره داستان بلند «حفره»



تصویر سازی خیالی از پارک کوهسنگی مشهد- اثر محمود آزادیا/شهرآرا

- داستان شما یک اثر فانتزی است که اتفاق آغاز آن (رخ دادن مشکلی غیرعادی برای شخصیت اصلی داستان) یادآور تبدیل شدن گره گوار سامسا به حشره‌ای غول پیکر در داستان «مسخ» کافکااست. فکر می‌کنید از «مسخ» یا آثارِ از این‌دست تأثیر گرفته باشید؟

همیشه سوررئالیسم و رئالیسم جادویی برایم جذاب بوده‌است و دوست داشتم‌ام کاری بنویسم که یک‌اتفاق غیرعادی در آن رخ بدهد. بله، اثرپذیری بوده است، منتها آن‌را مستقیم نگرفته‌ام. مدت‌ها پیش «مسخ» را خوانده بودم و موقعی که «حفره» را می‌نوشتم، به این کتاب فکر نمی‌کردم.

رنج‌هایی به هیئت حفره

نگاهی به داستان بلند «حفره» نوشته مجتبی فدایی

خراسانی
مدتی است که فانتزی نویسی در میان نویسندگان مشهدی رواج عجیبی پیدا کرده‌است. علاقه‌مندان به‌نگارش آثاروهمی و خیالی ترجیح می‌دهند به جای بازارفپزنی واقعیت در جامه‌ای واقع‌نما آن را به قالبی از سازه‌های فراطبیعی عرضه کنند. داستان‌های فانتزی از منطق عادی جهان بیرون از خود پیروی نمی‌کنند بلکه منطق خاص خود را دارند و به فرض اگر رویانتر ماجرای حفره‌ای جادویی و بلعنده اشیا در تن انسان‌ها هستند، مواجهه دیگر آدم‌های داستان را با چنین بحرانی عادی‌تر از رویارویی آدم‌های جهان واقع با این مسئله غیرطبیعی رقم می‌زنند. نویسندگان این داستان‌ها ممکن است به علت کمبود تجربه زیسته و بایسته سراغ سوزه‌های غیرعادی و خیالی بروند یا با هدف گفتن حرف‌هایی که نمی‌توانند در قالب واقعیت بیانش

رویداد

سیاست در آثار شاعری شهره به شیرین سخنی سعدی چه جایگاهی داشته است؟ این، موضوعی است که معزور نودوسومین نشست ماهانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی قرارگفت. جویاچنانبخش، سیاست را در آثار نظم و نثر سعدی بررسی کرد و آنچه در ادامه آمده، گزیده‌ای از صحبت‌های او هم می‌توان فکر عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- شاهنامه سیاسی‌ترین، سعدی سیاست‌اندیش‌ترین گمان می‌کنم در میان نویسندگان تراز اول ادب فارسی باوجود مردی چون فردوسی که شاهنامه او کتابی کاملاً سیاسی است. گویا سعدی سیاست‌اندیش‌ترین ادیب ماست و این را به خوبی در آثار سعدی می‌توان دید. اصالباب اول بوستان و گلستان باب‌هایی سیاسی است و سیاسیات او در باب‌های دیگر هم پراکنده است. بخش بزرگی از قصاید سعدی و اندرزهای او از سیاسیات است و حتی در تضاعیف تغزل‌های او هم می‌توان فکر سیاسی یافت.

- سیاست از غزل تا قصیده سعدی حتی در تغزلات خود هم به عالم سیاست گام گذاشته و چشم به مناسبات قدرت دوخته است. او به جز گلستان و بوستان و غزلیات و برخی قصایدش

- بعضی آدم‌های اثر شما بدون نام‌اند و برخی هم (حتی آدم اصلی) در طول روایت با نام خانوادگی اسم برده می‌شوند؛ مانند آقای سوزنجی و آقای غضنفریان. چرا در این کتاب نام کوچک شخصیت‌ها به ندرت ذکر می‌شود؟

کمتر به کاررفتن نام کوچک اشخاص در داستان اتفاق می‌بوه‌است؛ ولی در گوشه‌ذهنم از داستان نویسان روس الهام گرفتم و ترجیح دادم در کل داستان اشخاص را با «آقای» و «خانم» وارد کنم؛ آقای سوزنجی، آقای غضنفریان، خانم خبزنگار. درباره سیدالیهاس موسوی هم که بارها در داستان تکرار کرده‌ام، باید بگویم این را باز تا حدی از داستان‌های روسی و سامی طولانی آدم‌هایش یاد گرفته‌ام.

- آن قسمت از کتاب که آقای غضنفریان بنا می‌کند به نقل قصه زندگی‌اش، با بقیه آن چندان سازگار نیست. اساساً دغدغه‌های او به بقیه آدم‌های داستان ربطی ندارد که هر یک کسی (انسانی) را از دست داده‌اند. آیا می‌خواسته‌اید با آوردن این قسمت به حجم داستان بیفزایید یا تعلق خاطری به ماجرای این شخصیت داشته‌اید یا دلیل دیگری در میان است؟

بله، فصل «گرچه‌ها، جوجه‌اردک‌ها و مرغ عشق‌های اوایل «همه‌هفتاد» راوی‌ای متفاوت از بقیه داستان دارد. درواقع راوی اول شخص دارد. اگرچه در بعضی پاراگراف‌ها سعی کردم آن راوی سوم شخص بقیه داستان را هم داشته باشد. این بخش که پرمینای زندگی شخصی آقای غضنفریان است، ابتدا داستانی کوتاه درباره شخصی بود که در دوران کودکی‌اش مرغ عشق خود را از دست داده بود و قبلاً آن را نوشته بودم. بعدالین داستان کوتاه را داخل کتاب جادادم، به‌همین دلیل روایت این فصل زبانی متفاوت از بقیه فصل‌ها دارد. اصل ماجرا بر اساس اتفاقی بود که برای شخص خودم افتاده بود و در کتاب، مرغ عشق از دست‌رفته را حفره آقای غضنفریان در نظر گرفتم.

- زمینه داستان شهر مشهد و معابر و مناطق آن است، آیا این را باید ناشی از شناخت بیشتر شما به عنوان نویسنده از زادگاه خودتان دانست یا مثلاً قصداً ادای دین به مشهد بوده یا ضرورت دیگری مطرح است؟
- اینکه مشهد و خیابان‌ها و تفریح‌گاه‌های آن را در داستان آورده‌ام، عامدانه و بیشتر با الهام از داستان نویس‌های آمریکایی بوده است. من با جرئت و افتخار بوم‌بشو محل زندگی خودم را آورده‌ام. فکر می‌کنم کمتر شهر آمده است که نویسنده‌های مشهدی از المان‌های مشهد در داستان‌هایشان استفاده کنند. حالا ممکن

است نویسنده یا خواننده‌ای این مکان‌ها را نشناسد، ولی با جست‌وجویی ساده، مثلاً در اینترنت، می‌تواند آن را پیدا کند و اتفاقاً باعث آشنایی بقیه مردم با زادگاه من می‌شود. به‌نظر خودم زندگی شخصیت‌های داستان هم به‌گونه‌ای است که فقط در مشهد ممکن است اتفاق بیفتد. همچنین این استفاده از بوم مشهد در باورپذیرشدن داستان تأثیر داشته است.

- برخی تصاویر و موقعیت‌های کتاب خوب و به‌یادماندنی است؛ مانند توصیف هفت حوض یا جوجه‌اردکی که زیر آفتاب خشک شده است. ماندگاری و تأثیرگذاری لحظات داستان چقدر برایتان اهمیت داشته و این رویکرد در کتاب شما تا چه اندازه آگاهانه در پیش گرفته شده است؟

دوموردی که گفتید، برای شخص خودم اتفاق افتاده بود، منتها سعی کردم تصاویری که در کتاب ارائه می‌دهم، بدون قضاوت باشد و روایتی خشک ارائه کنم؛ یعنی سعی نکنم به چیز تصاویرممکن‌است بر ماندگاری آن تأثیر داشته باشد. نکته دیگر هم این است که یک فصل کتاب داستان زندگی شخصی است که آن را برای من تعریف کرده و یک فصل آن داستان زندگی خودم است، تجربی بودن این روایت‌ها و داستان‌ها به تأثیرگذاری و ماندگاری آن کمک خواهد کرد.

- آیا باز هم سراغ فضاهای فانتزی خواهید رفت؟ ایده‌هایی که برای کارهای بعدی‌ام در ذهن دارم، مقداری با فضاهای فانتزی فاصله دارد و واقع‌گراتر خواهد بود. حدسم این است که کتاب بعدی‌ام چیزی شبیه «حفره» باشد. اما آدم‌هایش توانسته باشند خلأهای خود را پر کنند و فضاهای آن نیز واقعی باشد.



و خانم خبزنگار و از این قبیل حضور پیدا می‌کنند؛ نگارش سراسری تناقضاتی را هم سبب شده است، مثلاً در قسمتی از داستان از تقسیم وسایل خانه به «سه» بخش گفته می‌شود، ولی «چهار» بخش نام برده می‌شود؛ بزرگ، متوسط رو به بزرگ، متوسط رو به کوچک، کوچک؛ یا جایی گفته می‌شود که پیرمرد نخستین بار در هشت نه سالگی متوجه وجود حفره می‌شود، در حالی‌که جایی دیگر پیرمرد متاهل است و یک و یک سالی از حفره دار شدنش می‌گذرد، توگفتنی او در «سالگی ازدواج کرده است؛ نکته دیگری که در این مجال می‌توان ذکر کرد، ایراد‌های ویرایشی و املایی است که البته زیاد نیست؛ مثل «سنگوب» که «سنگ‌کوب» نوشته شده است. روی هم رفته به نظر می‌رسد نخستین داستان بلند مجتبی فدایی نمره قبولی می‌گیرد و امیدبخش انتشار کارهایی بهتر از این نویسنده جوان مشهدی در آینده است. این کتاب را نشر صاد در نود صفحه به چاپ رسانده است.

«سیاست» در شاهنامه پررنگ‌تر است یا در بوستان و گلستان؟

- گلستانی از فضایل اخلاقی بوستان کتابی اخلاقی تربیتی است به معنای عام. چنان‌که مشهور است و البته به گمان بنده از جنس سیاست نامه و در واقع نصیحت‌الملوک. که آداب ملک داری و حکمرانی را به‌طور خاص و دیگر مهارت‌های زندگی و فضائل اخلاقی را به‌طور عام تعلیم می‌کند. مانند نصیحت‌الملوک‌ها. بنابراین موجه است همین بوستان که یک نصیحت‌الملوک است، بایی در تواضع هم داشته باشد که به خودی خود سیاسی نیست، به‌ویژه که تجربه نشان می‌دهد سیاست‌مداران بهره‌کافی از آن ندارند. اما به‌هر حال در مقام نصیحت‌الملوک نویسی، نصیحت‌الملوک نویسان جداً از اینکه آداب کشورداری را به کسی درمی‌آموزختند، ساینر ویژگی‌هایی که برای آن کشوردار لازم می‌دانستند، ذکر می‌کردند و این با اصول نصیحت‌الملوک نویسی چه در فرهنگ شرقی و حتی فرهنگ غربی می‌خواند.
- از اینجاست که گمان می‌کنم پذیرفتنی باشد که بوستان را نصیحت‌الملوک‌ی بدانیم که مخاطبش نخست امیر و امیرزاده سلغری اتابک پارس‌اند و دیگر عموم خوانندگان. باز تا کید است، گویم بوستان کتابی سرتاپا سیاسی است، بلکه می‌گویم بوستان کتابی تربیتی است در باب سیاست و تربیت رجل سیاسی.